

پیر بورڈیو

مسائل جامعه شناسی

ترجمه / پیروز ایزدی

www.ketabo.ir

سرشناسه	: بورديو، پير، ۱۹۳۰ - ۲۰۰۲م. Bourdieu, Pierre
عنوان و نام پديدآور	: مسائل جامعه‌شناسي / پير بورديو ؛ ترجمه پيروز ايزدي.
مشخصات نشر	: تهران: آس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهري	: ۳۲۰ ص.
شابک	: 978-622-99551-6-1
وضعيت فهرست نويسي	: فيبا
يادداشت	: عنوان اصلي: Distinction : a social critique of the judgement of taste, 1984
موضوع	: زيبايي‌شناسي فرانسوي Aesthetics , French
موضوع	: طبقات اجتماعي -- فرانسه Social classes -- France
موضوع	: فرانسه -- تمدن -- ۱۹۴۵م. -- France -- Civilization -- 1945
شناسه افزوده	: ايزدي، پيروز، ۱۳۳۷ - ، مترجم
رده‌بندي کنگره	: ۷۳۳DC
رده‌بندي ديويي	: ۰۹۴۴/۳۰۶
شماره کتابشناسي ملي	: ۸۴۳۹۲۴۱
اطلاعات رکورد کتابشناسي	



دفتر انتشارات: خيابان انقلاب، خ فخر رازي، کوچه فاتحي داريان، پلاک ۱۴

طبقه دوم، واحد ۳ تلفن: ۶۶۹۷۷۹۶۵ ، همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

www.sababook.ir

۰۹۳۶۳۷۲۵۸۰۰

■ مسائل جامعه‌شناسي

- ◆ نويسنده: پير بورديو
- ◆ مترجم: پيروز ايزدي
- ◆ ناشر: آس
- ◆ چاپ و صحافي: خانه چاپ
- ◆ تيراژ: ۵۰۰ نسخه
- ◆ چاپ اول: ۱۴۰۰
- ◆ قيمت: ۱۳۵۰۰۰ تومان
- ◆ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۵۵۱-۶-۱
- ◆ کليه حقوق مادي و معنوي براي انتشارات آس محفوظ مي‌باشد. تکثير يا توليد مجدد آن بدون (چاپ فتوکپی، صوت، تصوير و انتشار الکترونيکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پيگرد قانوني دارد.

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	هنر مقاومت در برابر گفتارها
۲۳	علمی آزاردهنده
۴۵	درباره جامعه‌شناسان
۷۳	آیا روشنفکران خارج از گود هستند؟
۸۱	چگونه باید روشنفکران آزاد را آزاد کرد؟
۹۵	جامعه‌شناسی جامعه‌شناسان
۱۰۳	پارادوکس جامعه‌شناس
۱۱۳	تفسیر سخن
۱۳۳	چند خصوصیت میدان
۱۴۳	بازار زبانی
۱۶۳	سانسور
۱۶۹	«جوانی» فقط یک واژه است
۱۸۳	منشأ و تحول دواستداران موسیقی

پیشگفتار

نمی‌خواهم مقدمه‌ای طولانی بر مطالبی که در اینجا آمده بنگارم؛ این مطالب دستنوشته سخنرانی‌ها و گفته‌های شفاهی من هستند که مخاطبشان افراد غیرمتخصص است. با این حال به گمان من گفتن این امر ضروری است که چرا ارائه این مطالب به شکلی ساده‌تر و آسان‌تر اما بسیار ناقص‌تر از آنچه قبلاً مطرح کرده بودم، به نظرم مفید و موجه می‌رسد؛ به ویژه از آن رو که از نظر برخی افراد این مطالب به همان موضوعاتی می‌پردازند که در جاهای دیگر و بی‌شک به شکل کامل‌تر و دقیق‌تر به آن‌ها پرداخته‌ام.^۱

جامعه‌شناسی حداقل از یک نظر از سایر علوم متفاوت است: از این علم انتظار می‌رود که از فیزیک یا حتی نشانه‌شناسی و فلسفه قابل دسترس‌تر باشد. به بیان دیگر، بسیاری مایلند چیزهای ضروری را بفهمند و مطمئن شوند که آن‌ها را درست فهمیده‌اند؛ و [در نتیجه] از ابهام‌گریزانند. اما، بی‌شک در این حوزه «قدرت متخصصان» و انحصار «صلاحیت» خطرناک‌تر و غیرقابل تحمل‌تر از دیگر حوزه‌هاست. اگر جامعه‌شناسی

۱. هر بار در پایان خواننده را به آن‌ها ارجاع می‌دهم تا در صورت تمایل نگاهی ژرف‌تر به

می‌خواست دانشی تخصصی و مختص متخصصان باشد، حتی نمی‌ارزید که یک ساعت وقت برای اندیشیدن درباره آن صرف کرد.

لازم به یادآوری نیست که هیچ علمی به اندازه جامعه‌شناسی با منافع اجتماعی سر و کار ندارد. همین امر باعث شده تا در آن تولید گفتمان علمی و به ویژه انتقال این گفتمان دشوار شود. جامعه‌شناسی با منافع سر و کار دارد و گاه این منافع حیاتی هستند. نمی‌توان از کارفرمایان، اسقف‌ها یا خبرنگاران توقع داشت که از علمی بودن کارهایی که بنیان‌های پنهان تسلط آن‌ها را آشکار می‌سازند، تمجید و تحسین کنند و برای افشای نتایج آن‌ها تلاش کنند. کسانی که تحت تأثیر مجوزهای علمی صادره از مراجع قدرت (دنیوی یا معنوی) قرار دارند، خوب است بدانند که در دهه ۱۸۴۰، گران‌دین^۱ از صاحبان صنایع نوشت: «تربیتون اتاق صنایع از «دانشمندان واقعی» که ثابت کرده بودند اشتغال کودکان در اغلب موارد عملی سخاوتمندانه است، تشکر کرد، امثال گران‌دین‌ها و این «دانشمندان واقعی» همواره وجود دارند.

همچنین جامعه‌شناسی در تلاش خود برای اشاعه آنچه آموخته نمی‌تواند چندان بر کسانی تکیه کند که شغلشان تولید روزانه و هفتگی مطالب روز از قبیل: «خشونت»، «جوانان»، «مواد مخدر»، «بازخیزش دینی» و غیره است، مطالبی که غلط هم نیستند و امروزه تبدیل به موضوع انشاء دانش‌آموزان دبیرستانی شده‌اند. با این همه جامعه‌شناسی نیاز دارد تا در انجام این مهم یاری شود. زیرا اندیشه‌های واقعی از نیروی ذاتی برخوردار نیستند و گفتمان علمی، خود گرفتار روابط قدرتی است که قصد افشاگری درباره آن را دارد. زیرا اشاعه این گفتمان تابع قوانین اشاعه فرهنگی است و بیانگر آن‌ها می‌باشد و نیز دارندگان صلاحیت فرهنگی که برای تملک این گفتمان ضروری هستند، کسانی نیستند که برای انجام این کار چندان علاقه‌ای داشته باشند. خلاصه اینکه در مبارزه علیه گفتمان بلندگوها، مردان سیاسی، مقاله‌نویسان، خبرنگاران، همه چیز علیه گفتمان علمی است:

مشکلات و کندی طرح‌ریزی این گفتمان باعث می‌شود اغلب اوقات نوشداروی پس از مرگ سهراب باشد؛ پیچیدگی اجتناب‌ناپذیر آن، اذهان ساده‌اندیش و یا مغرض یا صرفاً کسانی را که از سرمایه فرهنگی لازم برای رمزگشایی از آن برخوردار نیستند، دلسرد می‌سازد؛ کلیت انتزاعی آن که جنبه شخصی پیدا نمی‌کند و در نتیجه مانع همانندسازی و کلیه اشکال فرافکنی‌های ارضاکننده می‌شود، و از همه مهم‌تر فاصله آن با ایده‌های پذیرفته شده و اعتقادات اولیه است. نمی‌توان به این گفتمان نیرویی واقعی بخشید مگر آنکه نیرویی اجتماعی در آن تزریق کرد تا امکان پذیرش آن به وجود آید. در تناقضی آشکار، لازمه این امر می‌تواند آن باشد که بپذیریم وارد بازی‌هایی اجتماعی شویم که گفتمان علمی، منطق آن‌ها را فاش و یا بهتر بگوییم، تقبیح می‌کند: تلاش برای یادآوری مد روشنفکری در بالاترین سطوح آن، استفاده از ابزارهای بازاریابی روشنفکری برای افشای کارکرد این ابزارها و کاربران عادی آن‌ها به رغم آنکه معمولاً کارکردشان از نظرها مخفی نگه داشته می‌شود، یعنی در تداعی منطق روابط بین حزب کمونیست و روشنفکران در یکی از ارگان‌های حزب کمونیست که مختص روشنفکران است و غیره. این‌ها همه به معنای از پیش پذیرفتن بدگمانی نسبت به سازش و مصالحه و تلاش برای تساهل روی سلاح قدرت روشنفکری به سوی خود آن با گفتن چیزهایی است که در محافلی که به زبان آورده می‌شوند، چندان انتظار گفتن آن‌ها نمی‌رود و یا گفتن آن‌ها نامحتمل و نابجا می‌باشد؛ این به معنای امتناع از «موعظه برای نوکیشان» یا همان کاری است که گفتمان معمول انجام می‌دهد؛ گفتمانی که به این دلیل این قدر بدیهی به نظر می‌رسد که به مخاطبانش تنها چیزهایی را می‌گوید که می‌خواهند بشنوند.